

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و آله الطاهرين

دیدگاه فقیهان پیرامون تلفّظ به نیت

در مورد تلفظ به نیت در جلسه قبل، اشاره‌ای کردیم. در کتاب رسائل شهید ثانی (قدس سره) آمده است: «التلفظ بالنية لا يجوز في جميع العبادات»؛ تلفظ به نیت در هیچ یک از عبادات جایز نیست، «و إنما هي بالقلب»؛ نیت، تنها يك امر قلبی است.^[1]

دیدگاه مرحوم بهبهانی

آقا وحید بهبهانی (قدس سره) در مصابیح الظلام می‌فرماید بین شیعه و اهل سنت اختلاف است در این که آیا نیت يك امر قلبی است یا باید حتماً لفظ هم به آن اضافه شود یا این که مستحب است لفظ به آن اضافه شود؟ «فالشيعية بأجمعهم علي الاول»؛ شیعه نیت را يك امر قلبی می‌دانند، «و بعض الشافعية علي الثالث»؛ بعضی از علمای شافعیه تلفظ به نیت را مستحب می‌دانند و بعضی از علمای عامه، تلفظ به نیت را واجب می‌دانند.

بعد می‌گوید: «و مما ذكر ظهر عدم جواز التلفظ بالنية باعتقاد مشروعيته»؛ یعنی چون اهل سنت (به جز شافعی‌ها که مستحب می‌دانند) تلفظ به نیت را واجب می‌دانند، در نتیجه اگر کسی به اعتقاد وجوب، نیت را تلفظ کند (مثلاً بگوید: «اصلي ركعتين قرية إلي الله» و به اعتقاد وجوب این لفظ را بگوید) جایز نیست، «لما عرفت من كونه بدعة من العامة و البدعة حراماً قطعاً».^[2]

دیدگاه صاحب مفتاح الكرامه

سید عاملی (قدس سره) در مفتاح الكرامه می‌گوید: «و لقد اختلف الاصحاب في استحباب التلفظ بها»؛ این کلام، منافاتی با حرف شهید ثانی و مرحوم بهبهانی ندارد، آنچه این دو فقیه می‌گویند که تلفظ جایز نیست، این به اعتقاد وجوب است، اما با قطع نظر از اعتقاد وجوب، «قد اختلف الاصحاب في استحباب التلفظ بها ففي الخلاف في الصلاة و المعتبر كذلك و التحرير و التذكرة و الذكري و فوائد الشرايع و المدارك أنه لا يستحب»؛ در این کتاب‌ها آمده که تلفّظ به نیت، استحباب ندارد.

بعد می‌فرماید: «لعدم الدليل و الشرع خال من ذلك»؛ دلیلی بر استحباب نداریم، «بل ظاهر الذكري دعوي الاجماع عليه»؛ ظاهر عبارت شهید اول (قدس سره) در ذکری ادعای اجماع است، «حيث قال و لا يستحب الجمع عندنا بينه و بين القول»؛ یعنی جمع کردن بین قصد قلبی و بین قول، مستحب نیست، «و صار إليه بعض الاصحاب»؛ بعضی از اصحاب به استحباب قائل شدند، «لأن اللفظ أشدّ عوناً علي اخلاص القصد»؛ لفظ اشدّ عوناً است بر این که دلالت و تحقق اخلاص بر آن قصد داشته باشد. ایشان می‌فرماید: «و فيه منع ظاهر»؛ روشن است که لفظ در تحقق اخلاص در قصد، دخالتی ندارد.

شهید اول در کتاب بیان می‌فرماید: «الاقرب أنه مكروه»؛ تلفظ به نیت مکروه است، فاضل مقداد می‌گوید: «فی کراهته نظر»، در حاشیه مفتاح الکرامه آمده که چنین مطلبي را در کتب فاضل مقداد پیدا نکردیم.^[3]

دیدگاه صاحب العناوين الفقيهيه

مرحوم میرفتاح در کتاب عناوين می‌گوید: «لا يلزم التلفظ بالنية في شيء من المقامات لعدم الدليل علي وجوده و قد عرفت أن أدلة النية غير دالة علي ذلك»؛ در حقیقت نیت، تلفظ وجود ندارد، فقط در باب حج داریم که مستحب است حاجی هنگام نیت کردن بگوید: «اللهم إني أحرمتُ إلي آخر».

ایشان در پایان می‌گوید: «و منهما يعلم أن التلفظ بها في سائر العبادات ما لم يقم عليه دليلٌ موجبٌ للتشريع لو أتى به بقصد الاستحباب»؛ اگر در سایر عبادات غیر از حج، به قصد استحباب بیاورد تشريع و حرام است و بدون قصد استحباب نیز لغو است.^[4]

دیدگاه صاحب جواهر(قدس سره)

صاحب جواهر(قدس سره) کلام دیگر فقیهان و تحلیل ایشان را ذکر کرده و می‌نویسد: «و يستحب التلفظ بالنية اذا كان اللفظ اعون له علي خلوص القصد»؛ اگر با گفتن لفظ بهتر بتواند قصد خود را خالص کند، تلفظ به نیت مستحب است. «بل قد يصل إلي حد الوجوب»؛ گاهی اوقات تلفظ به نیت واجب می‌شود، «كما اذا توقف الاخلاص عليه»؛ اگر اخلاص بر او متوقف باشد (از باب مقدمه واجب بگوئیم واجب است)، «و قد يحرم اذا كان بالعكس»؛ اگر مانع از اخلاص بشود حرام می‌شود و در آخر می‌گوید: «إلا أن الاحوط الترك مع الاختيار فراراً من التشريع»؛ احوط ترک این کار در حال اختیار است تا این که دچار تشريع نشویم.

لیکن ایشان در پایان می‌گوید دلیلی بر استحباب تلفظ به نیت نداریم و این استدلالی که برخی از فقها آوردند که تلفظ، اعون در اخلاص است، این دلیل باطلی است. اگر هم این دلیل را بپذیریم، دلالت بر يك استحباب عارضی دارد نه استحباب ذاتی و حال آن که مدعای ما این است که يك استحباب ذاتی برای تلفظ به نیت درست کنیم (استحباب عارضی یعنی در جایی که تلفظ اعون در نیت و در اخلاص باشد، تلفظ کن، اما در جایی که نقشی در خلوص نیت ندارد، لازم نبوده و استحباب هم ندارد).^[5]

دیدگاه سید یزدی(قدس سره)

مرحوم سید در کتاب الصلاة، این مسئله را مطرح می‌کند: «الاحوط ترك التلفظ بالنية في الصلاة خصوصاً في صلاة الاحتياط للشكوك»^[6]؛ احتیاط واجب آن است که در نماز، نیت را تلفظ نکند. البته الآن در بین عوام بسیار رایج است که دست خود را بالا آورده و بلند هم تلفظ به نیت می‌کنند. در اینجا هیچ کسی حاشیه ندارد؛ یعنی همه فقها و محشین عروه این فرمایش مرحوم سید را قبول کردند.

دیدگاه محقق داماد(قدس سره)

مرحوم داماد در کتاب الصلاة درباره وجه احتیاط وجوبی مرحوم سید می‌فرماید: «لعلّ منشأ الاحتياط هو كون النية القلبية عند بعض جزءاً للصلاة المفتحة بها لا بالتكبير»؛ بعضی از فقها نیت را جزء صلاة می‌دانند و این را قبول ندارند که ابتدای نماز تکبیر

است، بلکه می‌گویند ابتدای نماز، نیت است. بنابراین، وقتی نیت کرد وارد نماز شده و اگر تلفظ به نیت کند، در واقع در اثناء نماز واقع شده است، اما اگر نیت را شرط نماز بدانیم نه جزء آن، اولین جزء نماز، تکبیرة الاحرام می‌شود و نیت، شرط قبل از نماز است. در این صورت، دیگر تلفظ در اثناء نماز واقع نمی‌شود.^[17]

جمع‌بندی و دیدگاه برگزیده

به نظر می‌رسد این وجهی که محقق داماد (قدس سره) بیان فرمود، طبق بعضی از مبانی اقتضا می‌کند که تلفظ به نیت مشکل داشته باشد، در حالی که ظاهر عبارت مرحوم سید آن است که طبق همه مبانی، احتیاط در ترك است.

شاید وجه اصلی این احتیاط وجوبی در کلام مرحوم سید، این باشد که عامه، غالباً تلفظ به نیت را واجب می‌دانند و روشن نیست که اهل سنت، وجوب تلفظ به نیت را از کجا آوردند؟! مثل بقیه بدعت‌هایی که در نماز گذاشتند و اگر کسی تلفظ به نیت کند، شبیه به عامه شده و برای مخالفت با عامه، احتیاط در ترك این کار است. اگر هم کسی بقصد الاستحباب انجام دهد، در روایات دلیلی بر آن نداریم و تشریع می‌شود. وقتی به نماز رسول الله (صلي الله عليه وآله) و صلاة ائمه معصومین (عليهم السلام) مراجعه می‌کنیم، در هیچ جا نقل نشده که تلفظ به نیت می‌کردند.

بنابراین، مسلماً دلیلی بر استحباب تلفظ به نیت جز در باب حجّ وجود ندارد و در باب احرام حجّ، تلفظ به نیت روایات دارد. اگر کسی بقصد الوجوب یا بقصد الاستحباب بخواند، مسلماً تشریع و حرام است. حال اگر کسی به قصد وجوب یا استحباب انجام ندهد، چون يك مقدار استشمام تبعیت از عامه می‌شود، خود همین مقتضای احتیاط است.

به دیگر سخن، به نظر می‌رسد وجهی که محقق داماد (قدس سره) برای احتیاط مرحوم سید بیان نمود، صحیح نیست؛ چرا که اگر این وجه را (که در کلام محقق داماد (قدس سره) آمده) در نظر بگیریم، تلفظ در اثناء نماز، قطعاً مبطل نماز است و نباید بگوئیم احتیاط واجب.

بنابراین، عمده آن است که اگر نگوییم همه عامه، جمع کثیری از عامه تلفظ به نیت را جعل کردند و به خاطر این جعل، باید احتیاط شده و تلفظ به نیت نشود. البته این سخن در عبادات است، اما در افعال غیر عبادی می‌گوئیم جایز است و مرتکب می‌شویم.

نتیجه آن که، ظاهر عبارت کتاب عناوین آن است که این به عنوان یک قاعده است که: «لا يلزم التلفظ بالنية في شيء من المقامات (یعنی وضو، نماز، تیمم، روزه) مگر حجّ. اگر کسی بقصد الوجوب یا بقصد الاستحباب بیاورد، مسلماً جایز نبوده و حرام است، اما اگر بدون قصد الوجوب و الاستحباب انجام دهد، باز مرحوم سید می‌گوید احوط ترك تلفظ به نیت است. و چه بسا اگر قائل شویم نیت جزء نماز است، موجب بطلان نیز می‌شود.

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين

[1] رسائل الشهيد الثاني (ط - الحديثه)، ج2، ص: 1260، مسئله 37.

[2] مصابيح الظلام، ج7، ص: 136.

[3] مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثه)، ج2، ص: 284.

[4] العناوين الفقهية، ج1، ص: 393.

[5] جواهر الكلام في ثوبه الجديد، ج1، ص: 426 و 427.

[6] العروة الوثقى (المحشى)، ج2، ص: 440.

[7] «لعلّ منشأ الاحتياط هو كون النية القلبية عند بعض جزء للصلاة المفتوحة بها، لا بالتكبير- وإن ردّ بما ورد: من «أنّ أولها التكبير» مع ما يناقش في هذا الردّ أيضا- فحينئذ يكون التلفّظ واقعا في الأثناء، بخلاف ما إذا كان شرطا، لوقوعه- أي الكلام الخارجي- حينئذ في خارج الصلاة.» كتاب الصلاة (للمحقق الداماد)؛ ج3، ص 275.